



## بررسی تطبیقی مضامین رضوی در شعر

### «خوشدل تهرانی» و «محمدحسین الغروی اصفهانی»

دریافت: ۱۳۹۷/۵/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۱۵

مجید محمدی<sup>۱</sup>، ایمان قنبری اقدم<sup>۲</sup>، بهناز نظری<sup>۳</sup>

#### چکیده

شعر آیینی یکی از گونه‌های شعر تعلیمی است که پیشینه‌ای کهن در ادبیات دارد. جایگاه والای امام رضا (علیه السلام) در میان شیعیان و به‌ویژه حضور ایشان در ایران، سبب شده است که شاعران هر گوشه از این دیار با سرایش مدیحه‌ها و مرثیه‌های زیبا، آثاری ارزشمند بیافرینند و گام‌های بزرگی در غنای ادبیات دینی بردارند. در این میان، «محمدحسین غروی اصفهانی» و «خوشدل تهرانی» نمونه‌هایی بارز از شاعران خوش ذوقی هستند که غالب اشعار آنان را مدح و ستایش اهل بیت (علیهم السلام) تشکیل می‌دهد. در این پژوهش، نخست بنا بر جایگاه و رسالت ادبیات تطبیقی، بر بنیان دیدگاه‌های مکتب آمریکایی، که تأکید بر مطالعات زیباشناختی، میان‌رشته‌ای و بینافرهنگی از ویژگی‌های برجسته این نظریه است، پیش رفته و سپس به روش توصیفی-تحلیلی، با استناد به شواهدی از اشعار این دو شاعر، با هدف بررسی تطبیقی مضامین رضوی به مباحث و مرثیاتی ایشان پرداخته شده است. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که دو شاعر در مباحثی چون بیان فضایل اخلاقی امام (علیه السلام)، حکمت و علم، منزلت و فضیلت‌های امام (علیه السلام)، ولایت، وجه تسمیه امام، کرامت بارگاه مطهر امام، حوادث تاریخی زندگی امام (علیه السلام)، نماز باران و حدیث سلسله‌الذهب، ضامن‌آهو، شوق زیارت، شفاعت و... دارای شباهت و وجوه تفاوتی هستند. نتایج حاکی از آن است که اشعار رضوی خوشدل تهرانی به سبب تصاویر ادبی زیبا و مضامین متنوع آن، نمود برجسته‌تری نسبت به شعر غروی اصفهانی دارد و تأثیر بیشتری بر مخاطب گذاشته است هر چند در شعر غروی نیز مضامین بدیع زیبایی به چشم می‌خورد.

**کلیدواژه‌ها:** ادبیات تطبیقی، امام رضا (علیه السلام)، شعر رضوی، غروی اصفهانی، خوشدل تهرانی.

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی (نویسنده مسئول): Mohammadmajid44@gmail.com

۲. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی: imanghanbariaqdam@gmail.com

۳. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی: behnaznazari0832@gmail.com

## ۱. مقدمه

سیمای اهل بیت علیهم السلام همواره در کانون توجه شاعران متعهد شیعی قرار داشته و ایشان پرداختن به آن را زینت‌بخش سروده‌های خویش گردانده‌اند به طوری که کمتر شاعر شیعی را می‌توان یافت که قطعه شعری در مدح و منقبت اهل بیت علیهم السلام و مکارم ایشان نسروده باشد. جایگاه والای امام رضا علیه السلام در میان شیعیان و به‌ویژه حضور ایشان در ایران، پیوند عاطفی ناگسستنی را سبب شده است به طوری که شاعران هر گوشه از این دیار، مدایح و مرثیه‌های زیبای خود را آئینه تمام‌نمای ارادت خویش به محضر آن حضرت گردانده‌اند و آثاری ارزشمند را آفریده و گام‌های بزرگی در غنای ادبیات دینی برداشته‌اند. «ادبیات متعهد به‌ویژه گونه شعر، همواره از ابزارهای اساسی در تبلیغ و اشاعه فرهنگ دینی و آیینی در میان ادیبان فارسی‌زبان و عرب‌زبان به‌شمار رفته و شاعران در هر عصر و دوره‌ای، برای ابراز باورهای دینی و اعتقادی خود از قلم بیان، عاطفه، احساس و قدرت خیال خود بهره‌جسته و برترین مضامین عاطفی را در این زمینه خلق کرده‌اند. بدین ترتیب، شیعیان از یکی از مهم‌ترین ابزارهای احساسی و عاطفی، یعنی ادبیات، آن هم قالب شعر که نقطه اوج بیان احساس است، برای نشر دیدگاه‌های مذهبی خود بهره برده‌اند. بدون تردید، شعر فارسی نیز مانند شعر عربی از آغاز فعالیت خود در قالب فارسی نو کوشیده است تا مضامین اشعار عربی و از جمله موضوع ستایشگری را در خود جای دهد و به‌طور طبیعی شیعیانی را که عمیقاً به اهل بیت علیهم السلام عشق می‌ورزند، به سرایش شعر فارسی درباره اهل بیت وادارد» (جعفریان، ۱۳۸۲: ۷۸). عشق به پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان اهل بیت علیهم السلام از دیرباز در میان ایرانیان جایگاهی خاص داشته است. «شاعران ادب فارسی سیمای امام رضا علیه السلام را به‌دلیل حضور حضرت و مرقد مطهرشان در ایران بیش از برخی ائمه و معصومین دیگر در آثارشان انعکاس داده‌اند.» (بیگزاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۰). شاعران بسیاری سعی در ارائه فضایل و مناقب این شخصیت الهی داشته‌اند و ضمن بیان ویژگی‌های ظاهری و معنوی ایشان در قالب شعر، به نحوی مظلومیت و حقانیت امام علیه السلام را در اشعار خود منعکس کرده‌اند. به عبارتی «شعر ابزاری می‌شود برای دفاع از امامت و ولایت آن حضرت... سیمای اهل بیت علیهم السلام در ادبیات فارسی و عربی، با قدمت تاریخی

بسیار نمود پیدا کرده است. یکی از آن بزرگان، امام رضا علیه السلام است که توسط تعداد کثیری از شاعران مورد حمد و ثنا قرار گرفته‌اند و هر کدام سعی داشته است به نحو مؤثر و با ذوق سلیم و شیوای خود، دورنمایی از چهرهٔ تابناک ایشان را به تصویر بکشد. هرچند شأن و منزلت افلاکیان بسی بالاتر و ارزنده‌تر از آن است که خاکیان به مدح آنان بپردازند، لیکن باز هم شاعران فرهیخته در سراسر این کرهٔ خاکی و با هر آئین و مذهبی، همواره برآنند تا نهایت استعدادهای شاعرانهٔ خود را به کار گیرند و برترین اشعار خود را دربارهٔ امام همام ارائه دهند و این امری است مُسَلَّم که عاشقان، معشوق را پیوسته بستانند. «(پولادچنگ نجف‌آبادی، ۱۳۹۲: ۷۸). «محمدحسین غروی اصفهانی (۱)» و «خوشدل تهرانی (۲)» نمونه‌ای بارز از شاعران خوش ذوق ادب فارسی و عربی هستند که غالب اشعار آنها را مدح امامان بزرگوار و اهل بیت علیهم السلام تشکیل می‌دهد. قصاید و اشعار مذهبی این دو از یک‌سو بیانگر حبّ آنان نسبت به امام رضا علیه السلام و دیگر اهل بیت علیهم السلام و از سوی دیگر نشان‌دهندهٔ آگاهی دینی بالای آنها به‌ویژه در زمینهٔ فرهنگ رضوی است.

هدف کلی از پژوهش حاضر مقایسهٔ تطبیقی مدحیات رضوی در دیوان این دو شاعر متعهد است. شیوه و روش کار به این صورت است که این مضامین به‌طور جداگانه در دیوان دو شاعر مطالعه و مقایسه می‌شود و شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود میان آنها بررسی و ابیاتی که تأثیرپذیری و تأثیرگذاری در آنها به چشم می‌خورد، ذکر می‌گردد. هدف از این مقاله، علاوه بر معرفی محمدحسین غروی اصفهانی و خوشدل تهرانی، که در زمرهٔ شاعران متعهد به اهل بیت علیهم السلام هستند، بررسی مضامین مشترک و متفاوت رضوی در دیوان دو شاعر است.

## ۱-۱ پرسش‌های تحقیق

۱. وجوه اشتراک و افتراق مضامین رضوی این دو شاعر در چه زمینه‌هایی است؟

۲. برجسته‌ترین مضامین رضوی در اشعار این دو شاعر کدامند؟

## ۲-۱- ضرورت، اهمیّت و هدف

یکی از دلایل اصلی نگارش این مقاله بررسی نگاه شاعران فارسی‌زبان و عرب‌زبان به موضوع رضوی و اهمیّت آن و نیز معرفی محمدحسین غروی اصفهانی و خوشدل تهرانی به عنوان دو شاعر متعهد است. از آنجاکه شعر از برترین وسایل جهت تأثیر بر دیگران و نشر معارف است، پرداختن به اشعاری از این دست، گامی بزرگ جهت ترویج فرهنگ رضوی است. ادبیّات تطبیقی یکی از دانش‌های تأثیرگذار در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... است. با توجه به اهمیّت چنین موضوعی، تلاش شده است تا ضمن معرفی این دو شاعر عربی و فارسی، به یکی از محورهای اصلی شعرشان، که اشعار رضوی است، پرداخته شود. هدف اساسی این پژوهش نیز آن است که مضامین شعری این دو شاعر در مدح و منقبت و وجوه اشتراک و افتراق این مضامین بررسی شود.

## ۳-۱- روش و چارچوب نظری پژوهش

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است که با بهره‌گیری از منابع، اسناد و ابزار کتابخانه‌ای و همچنین فضای مجازی، فرایند پژوهش پیش رفته است. بررسی این دو اثر بر بنیان دیدگاه‌های مکتب ادبیّات تطبیقی آمریکایی استوار است. این مکتب بر خلاف مکتب فرانسه، بر آن عقیده است که برای تطبیق دو اثر ادبی، نیازی به تقارن تاریخی میان آن دو نیست؛ بدین مفهوم که بدون اینکه مبادله‌ای میان دو اثر صورت گرفته باشد و یا اینکه ارتباطی میان دو نویسنده برقرار شده باشد نیز می‌توان به تطبیق دو اثر ادبی پرداخت (کفافی، ۱۳۸۲: ۱۴).

## ۴-۱- پیشینه تحقیق

در باب پیشینه پژوهش، لازم است اشاره شود تاکنون پژوهشی مستقل با عنوان فوق صورت نگرفته است. اما برخی نویسندگان به بعضی زوایای این موضوع اشاره کرده‌اند: از جمله آثاری که در آن به صورت تلویحی به سروده‌های متعهدانه غروی اصفهانی پرداخته

شده است می‌توان به مقاله «الأسلوبية في مديحة آية الله الغروي الإصبهانی للإمام الرضا (عليه السلام) من ديوانه العربي "الأنوار القدسية"» (آفرین زارع و همکاران، ۱۳۹۵) اشاره کرد. نویسندگان در این مقاله اسلوب ادبی و زیبایی‌شناسی در مدحیات امام رضا (عليه السلام) همچون بلاغت، وزن و... را بررسی کرده‌اند. با این حال، پژوهشی که در آن به بررسی مجزای سروده‌های مذهبی خوشدل تهرانی و به‌ویژه مداخل رضوی ایشان پرداخته باشد، یافت نشد. در این پژوهش ضمن معرفی این دو شاعر و اشاره‌ای گذرا به شعر شیعی، مضامین مشترک رضوی و سیمای امام رضا (عليه السلام) در شعر آنان را بررسی خواهیم کرد.

## ۲. پردازش تحلیلی موضوع

### ۱-۲ شعر شیعی و جایگاه آن در نظر اهل بیت (عليهم السلام)

شعر شیعی نشأت گرفته از باورها و اعتقادات شاعران متعهدی است که با قلم توانایی خود و به یاری کلمات، ارادت خالصانه خود به محضر این بزرگواران را نشان داده‌اند. به عبارتی، تاریخ ادبیات شیعه پر است از شاعرانی که با تکیه بر عنصر تعهد، بر خود لازم دانسته‌اند که با تمام وجود در راه اشاعه فرهنگ راستین امامان بزرگوار و اهل بیت (عليهم السلام) گام بردارند. «همواره در میان قشر هنرمند و ادیب جامعه، افرادی بوده‌اند که عشق به مکتب اهل بیت (عليهم السلام) آنها را واداشته تا با ذوق سرشار قلم به دست بگیرند و دل‌نوشته‌های خود را بر صحیفه تاریخ به ثبت برسانند.» (انصاری، ۱۳۹۲: ۱۶۸). «اهمیت این نوع از شعر به حدی است که گاه خود امامان بزرگوار لب به تحسین شاعران و ادیبان می‌گشوند. در روایات آمده است که کمیت بن زید اسدی شاعر به محضر امام باقر (عليه السلام) رسید و شعرش در فضیلت اهل بیت را قرائت کرد. امام باقر (عليه السلام) به او فرمودند: به خدا سوگند، ای کمیت، اگر ثروت و مالی نزد ما بود از آن به تومی بخشیدیم، اما برای توست آنچه رسول خدا به حسان بن ثابت فرمودند: تا زمانی که از ما اهل بیت در شجرت دفاع می‌کنی، روح القدس با توست.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸).

۱۰۲). «ابوطالب قمی شعری در فضیلت امام سجّاد علیه السلام سرود و آن را برای امام باقر علیه السلام نوشت و اجازه خواست درباره آن حضرت نیز شعر بسراید. امام علیه السلام در جای خالی بالای همان کاغذ نوشت: کار نیکی انجام دادی، خداوند پاداش خیرت دهد.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ۴۶۸). افزون بر این، روایات متعددی درباره بذل و بخشش امام رضا علیه السلام نسبت به شاعرانی که شعر خویش را وسیله‌ای در جهت مدح اهل بیت علیهم السلام قرار داده‌اند، بیان شده است. آمده است که «ابونواس در مدح امام رضا علیه السلام شعری سرود و آن را در محضر ایشان قرائت کرد. امام رضا علیه السلام به او فرمود: ای حسن بن هانی، ابیاتی را گفتمی که پیش از این همانند آن را نگفته‌ای، خداوند جزای خیرت دهد! سپس به همراه خویش فرمودند: چقدر پول داریم؟ عرض کرد: سیصد دینار، امام به او امر کردند: آنها را به ابونواس بده. اسب خویش را هم به او بخشیدند.» (طبری، ۱۴۲۵، ج ۱: ۱۳۴). در روایت دیگر آمده است که «روزی دعبل بن علی و ابراهیم بن عباس، که با هم دوست بودند، خدمت امام رضا علیه السلام رسیدند و هر یک قصیده‌ای خواندند. امام رضا علیه السلام بیست هزار درهم به این دو بخشیدند. دعبل ده هزار درهم خود را به قم آورد و اهل قم هر درهم از آن را به ده درهم خریدند و سهم او صد هزار درهم شد.» (قمی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۳۴۲-۳۴۳).

## ۲-۲ مضامین رضوی مشترک در شعر «محمدحسین غروی اصفهانی» و «خوشدل تهرانی»

در مدحیات این دو شاعر مضامین مشترکی چون بیان فضایل اخلاقی امام علیه السلام (کرامات بیانی و کلامی، حکمت و علم امام علیه السلام، منزلت و فضیلت‌های امام علیه السلام)، ولایت، وجه تسمیه امام به لقب رضا علیه السلام، کرامت بارگاه مطهر امام رضا علیه السلام، خیانت و پیمان شکنی مأمون و... به چشم می‌خورد. در این بخش ضمن بیان شواهد و مضامین مشترک در شعر دو شاعر، به بررسی و تحلیل موضوع پرداخته‌ایم:

### ۱-۱-۳ ارزش‌های اخلاقی

#### ۱-۱-۳-۱ کرامات بیانی و کلامی

امامان (علیهم‌السلام) به‌عنوان جانشینان خداوند بر روی زمین، در بردارنده کرامات و شاخصه‌های اخلاقی هستند که از ایشان در برابر مؤمنان نمونه‌های عینی از انسان‌های راستین را تجسم بخشیده است. گفتار و کردار این بزرگواران، در حقیقت جلوه‌ای کوچک از این ارزش‌های اخلاقی است که باید سرمنشأ قرار گیرد. غروی اصفهانی، در بخش‌های نخستین یکی از مدیحه‌های رضوی خود، گفتار امام (علیهم‌السلام) را جلوه‌ای بارز از کلام قرآن و عصاره‌ای از کلام نور الهی دانسته است. قرآن کلام خداوندی است و در آن کوچک‌ترین نقصانی به چشم نمی‌خورد. در حقیقت، شاعر با بیان این مطلب بیان کرده است که این ویژگی در کلام نورانی امام (علیهم‌السلام) نیز متبلور شده است:

يَسْبِي فِي بَيَانِهِ الْكَرِيمِ      عَنْ مُوجِزَاتِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ  
كُلُّ كَلَامِهِ جَوامِعُ الْكَلِمِ      عَقُودُهَا وَثِيقَةٌ لَا تَنْفَصِمُ

(غروی اصفهانی، ۱۴۲۷ق: ۶۸)

(ترجمه: ۱. در بیان کریمانه‌اش از کلام‌های موجز قرآن کریم خبر می‌دهد. ۲. تمام سخن او جامع‌ترین کلام‌هاست که گره‌های آن محکم و استوار است و جدا نمی‌شود.) شاعر با به‌کارگیری «النبأ العظيم» در بیت نخستین، اشاره‌ای به آیه ۲ از سوره نباء داشته است و با جمع کردن میان این آیه شریفه و کلام امام، به دنبال آن بوده است که جنبه‌ای معنوی و ارزشی والا به کلام ایشان ببخشد. غروی اصفهانی، در بیتی دیگر، کلام امام را کلامی وحدانی دانسته است که سراسر آن نفی غیر خدا و اشاره به یگانگی اوست:

لِسَانُهُ نَاطِقَةٌ التَّوْحِيدِ      وَمَنْطِقُ التَّجْرِيدِ وَالتَّفْرِيدِ

(همان: ۶۸)

(ترجمه: زبان او سخنگوی توحید است و منطق او نفی غیر خدا و یگانه دانستن اوست.)

امامان علیهم السلام انوار الهی هستند که هر کس به آنان متوسل شود و ایشان را سر لوحه خویش قرار دهد، راه نجات را خواهد یافت و در مسیر ضلالت و گمراهی گام نخواهد برداشت:

كَلَامُهُ هُدًى لِمَنْ بِهِ اهْتَدَى      وَقَوْلُهُ فَضْلٌ عَلَيَّ مَنْ اعْتَدَى  
كَلَامُهُ نُورٌ وَنُورُ الطُّورِ      كَأَنَّهُ ظُهُورُ ذَاكَ النُّورِ

(همان: ۶۹)

(ترجمه: سخن او هدایت است برای کسی که هدایت را طلب کند؛ و گفتارش قول فصلی برای کسی که تجاوز و دشمنی در پیش گرفته است. ۲. کلامش کلام نور است؛ نور طور؛ تو گویی نمایان شدن همان نور (کوه طور) است.)

شاعر در بیت دوم در تشبیهی زیبا نخست کلام امام را خود نور دانسته و سپس ضمن اشاره به داستان قرآنی حضرت موسی علیه السلام و ظهور نور خداوندی در کوه طور، میان این دو پیوندی زیبا ایجاد کرده است.

مناظره امام رضا علیه السلام با جاثلیق نصرانی از مناظره‌های معروف امام رضا علیه السلام در برخی موضوعات کلامی و اعتقادی است که در دربار مأمون عباسی شکل گرفت. در این مناظره که نسطاس رومی و رأس الجالوت هم حضور داشتند، امام علیه السلام تمام دعاوی خود را بر اساس کتاب مقدس مسیحیان مطرح فرمود و این امر موجب شگفتی حاضران و مسیحیان حاضر در مجلس شد. خوشدل نیز پس از ابیاتی که طی آن به برشمردن چندین ویژگی امام پرداخته است، با اشاره به همین داستان تاریخی، بر توانایی بالای ایشان در گفتار تأکید داشته است:

روی و مویش حُسن خلق و خویش نکو      مذهب و دین زوی یافته آبرو  
صد به از جاثلیق عاجز از گفتگو      خم بر منطقتش از حکیمان رئوس

(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۱۲۸)



وی در جای دیگر کلام امام را صدق راستین و جلوه‌ای از کلام الهی برشمرده است. از این‌رو، سخن وی همواره صحیح بوده و به شاهد و گواه نیازی ندارد:

قول امام است حجت و سخن صدق      گفته حق حاجت گواه ندارد

(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۶۰۳)

### ۳-۱-۱-۲ حکمت و علم امام (علیه السلام)

روایات متعددی درباره علم و آگاهی والای امامان بزرگوار (علیهم السلام) وجود دارد که بر اهمیت جایگاه ایشان تأکید دارد. در سوره نساء آیه‌ای بدین مضمون آمده است: «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا» (و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد (بدون تحقیق) آن را شایع می‌کنند، در حالی اگر آن را به پیامبر و اولوالامر از میان مسلمین که آگاهی کافی و قدرت تشخیص دارند، ارجاع دهند آنها که اهل ریشه‌یابی مسائل هستند، از آن آگاه خواهند شد و اگر فضل و رحمت خدا نبود همه شما جز عده کمی از شیطان پیروی می‌کردید) (نساء/ ۸۳). و در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: «...فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (از کسانی که اهل علم و دانش‌اند بپرسید اگر چیزی را نمی‌دانید) (نحل/ ۴۳). غروی اصفهانی، دانش سرشار امام را نشأت گرفته از گنجینه‌های معرفت دانسته است؛ دانشی که سرچشمه‌ای الهی دارد و در آن حقایق آشکار و نهان دین نهفته است. این جاست که شاعر در گفتار و کردار امام و در آگاهی والای ایشان اسرار الهی را می‌بیند؛ اسراری که در بیان امام به شکل روشنی از پرده برون می‌آیند و از طریق ایشان به پیروان دین می‌رسد:

رُمُوزُ عِلْمِهِ كُنُوزُ الْمَعْرِفَةِ      حَقَائِقُ الدِّينِ بِهَا مُنْكَشَفَةٌ  
بُنُورُ عِلْمِهِ وَحُسْنُ الْمَنْطِقِ      يَكْشِفُ عَنِ سِرِّ الْوُجُودِ الْمُطْلَقِ

(الغروی الاصفهانی، ۱۴۲۷ق: ۶۸)

(ترجمه: ۱. اسرار علمش گنج‌های معرفتند که حقیقت‌های دین با آن روشن می‌شود.  
 ۲. و با نور علمش و نیکویی گفتارش از اسرار وجود مطلق خداوندی پرده‌گشایی می‌کند.)  
 کارکرد مجازی علم و همراهی معنای نور در این ابیات نشان از آن است که این علم، الهی است و همان‌طور که نور راه را روشن می‌کند، توسل به امام و بهره‌گرفتن از علم ایشان، راه بندگی و سعادت را بر مؤمنان روشن می‌گرداند. خوشدل نیز در بیتی با مضمونی تقریباً مشابه، علم و آگاهی امام را گسترده و دانشی الهی برشمرده است که تمام دانسته‌های بشری را شامل می‌شود و هیچ دانشی نیست مگر آنکه به تعبیر شاعر کلید دروازه آن نزد امام علیه السلام باشد:

بر همه ابواب علم اوست مفتوح      بر همه ارکان شرع اوست مهندس

(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۶۵۲)

### ۳-۱-۱-۳ منزلت و فضیلت‌های امام علیه السلام

جایگاه امامت با ویژگی‌هایی که شیعه به آنها معتقد است، جایگاهی بس رفیع و بلند است. از همین‌رو، معتقدیم امامت هر یک از امامان شیعه علیهم السلام بر پایه گزینش و تأیید از سوی خداوند و تصریح پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و نیز بر اساس شایستگی‌های معنوی و علمی صورت گرفته است. نظر به جایگاه والای این بزرگواران، شاعران همواره به دنبال آن بوده‌اند تا برترین واژگان و عبارات بر منزلت و جایگاه ایشان اشاره داشته باشد.

غروی اصفهانی، در ابیاتی با این مضمون، کوشیده است با به‌کارگیری فضایی معنوی از طریق برگزیدن واژگانی چون «آیات، محکمت، زبر» و نیز انتساب امام علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز علی علیه السلام، به منزلت ایشان اشاره کند:

مَقَامُهُ الرَّفِيعُ فِي أَعْلَى الْقَلَمِ      وَلَوْحُ ذَاتِهِ صَحِيفَةُ الْحَكَمِ  
 فَاتِحَةُ الْكِتَابِ فِي الْجَلَالَةِ      إِذْ هُوَ سِرُّ خَاتَمِ الرَّسَالَةِ

بل نقطه الباهى فى عين الرضا      فإنه سر ابيه المرتضى  
آيات كبريائه والعظمة      بينة فى الزبر المعظمة  
وَمُحَكَّمَاتُ الْكَلِمَاتِ الْبَاهِرَةِ      لِنِذَاتِهِ الْعُلْيَا شُؤُونَ ظَاهِرِهِ

(الغروی الاصفهانی، ۱۴۲۷ق: ۶۶)

(ترجمه: ۱. جایگاه و الایش در بالاترین مرتبه‌ای است که قلم (تقدیر) الهی نگاشته است و صفحه ذات آن حضرت محل نگارش حکمت‌هاست. ۲. در عظمت، فاتحه‌الکتاب (سوره حمد) قرآن است زیرا او همان سرّ خاتمیت رسالت پیامبر ﷺ است. ۳. نقطه باء (بسم‌الله) در چشم (امام) رضا است. پس او سرّ پدر خویش علی مرتضی است. ۴. آیات بزرگی و عظمتش در زبورهای بزرگ روشن است. آیات و کلمات محکم قرآن برای ذات بزرگ او اموری آشکار است).

وی در این ابیات امام را در چنان مرتبه‌ای از عزت و جلال برشمرده است که قلم از وصف آن عاجز است؛ چنان‌که آیات کریمه قرآن از عظمت او حکایت می‌کند و خاتمیت پیامبری محمد ﷺ وجود مبارک امام علی (علیه السلام) سرّی از وجود مبارک ایشان است. از سوی دیگر، آیات محکم قرآن کریم نیز بخشی از سرّ وجودی آن حضرت است. در این ابیات مصراع اول «نقطة الباء» اشاره به کلام حضرت امیر مؤمنان (علیه السلام) دارد که فرمود: «ان کل ما فى العالم فى القرآن و کل ما فى القرآن بأجمعه فى فاتحة الكتاب، و کل ما فى الفاتحة فى البسمة، و کل ما فى البسمة فى الباء، و أنا نقطة تحت الباء». تمام آنچه در عالم است در قرآن است و تمام آنچه در قرآن است در سوره حمد و آنچه در سوره حمد است در بسم‌الله الرحمن الرحيم جمع شده است، و آنچه در بسم‌الله الرحمن الرحيم است، در باء آن است و من نقطه تحت الباء هستم. تمایز بین «الف» و «باء» به نقطه است و در نظر اهل معرفت «الف» اشاره به «مقام احدیت» ذات غیب هویت است؛ و «باء» که حرف دوم است، اشاره به «مقام واحدیت» است و آن را مقام غیب ثانی گویند و آن مقام جمعیت اسمای الهیه است و ظهور شئون احدیت ذات از این مقام است و این همان مقام نورانیت

و حقیقت محمدیه علویه است که آن را ولایت مطلقه الهیه و «نقطه» گفته‌اند.» (بروجردی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۱۱۸).

خوشدل در توصیف شأن و منزلت امام (علیه السلام) این نکته را بس می‌داند که میدان حق جز ایشان دلاوری نداشته است و همان طور که وی با ضمانت خویش جان آهوی مسکین را نجات بخشید، به همان گونه ملت و دین پیامبر (صلی الله علیه و آله) را حفظ کرده و راه امامان پیش از خود را ادامه داده است:

پهنه دین را جز او نیایی پهلو<sup>۱</sup>      عرصه حق را جز او نیایی فارس  
خسرو ضامن امین ملت خاتم      حجت ثامن معین مذهب سادس<sup>۲</sup>

(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۶۵۲)

افزون بر این، شاعر در ابیاتی دیگر از مدیحه بسیار زیبایی خود در وصف امام رضا (علیه السلام) با فراخوانی شخصیت‌های دینی همچون حضرت سلیمان (علیه السلام) و حضرت موسی (علیه السلام) بر این نکته تأکید دارد که امام در چنان مرتبه‌ای قرار دارد که جهان در برابر عظمت وی همچون نگین خاتم سلیمان (علیه السلام) بوده است. از سوی دیگر، موسی (علیه السلام) نیز ستایشگر آن حضرت بوده است:

امام هشتمین سلطان دین نور مبین شاهی      که در زیر نگین باشد جهان همچون سلیمانش  
وصی موسی کاظم که خاک درگه او را      همی روبد به مزگان از شرف موسی بن عمرانش

(همان)

### ۳-۲. ولایت

ولایت به معنای سرپرستی و تصدی امور، از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مباحث اندیشه

۱. پهلوان  
۲. امام ششم

سیاسی اسلامی است که بیشتر در اندیشه شیعه مورد توجه است. طباطبایی بر آن است که ولایت بر دو نوع است: ولایت بر اشیا یا شیء و یا ولایت بر اشخاص یا شخص. ولایت بر اشیا مانند ولایت و سرپرستی شخص بر اموال کسی که مرده است و ولایت بر شخص یا اشخاص مانند سرپرستی ولی بر همه جوانب مالی کودک، فرزند یا مجنون و یا ولایت خداوند و فرستادگان او مانند برخی از پیامبران و ائمه معصومین (علیهم السلام) در امور دنیا و آخرت مؤمنان می باشد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۱۵).

غروی اصفهانی، در نخستین مدیحه اش در مدح امام هشتم (علیه السلام) با تکیه بر این اصل اعتقادی آورده است:

قَدِ اسْتَوَى سُلْطَانُ اِقْلِيمِ الرِّضَا	بِالْيَمَنِ وَالْعِزِّ عَلَى عَرْشِ الْقَضَا
عَرْشُ الْخِلَافَةِ الْاِلَهِيَّةِ فِي	عِبَادِهِ فَيَا لَهُ مِنْ شَرَفِ
لَهُ الْوِلَايَةُ الْمُحَمَّدِيَّةِ	فِي سِرِّ ذَاتِهِ عَلَى الْبَرِيَّةِ
وَلَايَةُ التَّكْوِينِ وَالْاِبْدَاعِ	اَكْرَمِ بِهَذَا الْمَلِكِ الْمُطَاعِ

(الغروی الاصفهانی، ۱۴۲۷ق: ۶۶)

(ترجمه: ۱. پادشاه دیار رضا، با برکت و عزت بر کرسی قضاوت جایگیر شد. ۲. کرسی خلافت الهی در میان بندگان، آن حضرت عجب شرافتی دارد. ۳. ولایت محمدی بر مردم، در سر ذات حق از آن اوست. ۴. ولایت تکوینی و ابداعی (نیز به او اختصاص دارد) چه گرامی است چنین پادشاهی که مورد اطاعت مردم است).

شاعر در این عبارات که عمدتاً با لحنی مسرورانه سروده شده است، مسرت خود را از به خلافت رسیدن امام هشتم (علیه السلام) با استفاده از واژگانی چون «الیمن، العز» و نیز استعمال عبارات تمدیحی همچون «فیا له من شرف» و «اكرم بهذا الملك المطاع» نشان داده است. افزون بر این، غروی در بیت سوم از این مدحیه با استفاده از اسلوب حصر، این ولایت را در امام حصر و به کلی از دیگران نفی گردانده است. وی در ادامه، این ولایت را از

نوع ولایت تکوینی برشمرده است که طی آن بنده‌ای از بندگان خدا - خواه پیامبر باشد خواه امام و یا شخص دیگری - بر اثر عبودیت و بندگی، تکامل روحی پیدا و بر جهان خارج از خود تسلط پیدا می‌کند.» (سبحانی و محمدرضایی، ۱۳۸۹: ۶). از این رو، امام به اعتقاد شاعر از چنان منزلت و مرتبتی برخوردار است.

خوشدل نیز با اعتقاد به ولایت الهی امام رضا (علیه السلام)، بر وجوب پذیرش ولایت ایشان تأکید ورزیده و راه رهایی مردم از طوفان حوادث و مصیبت‌های زندگی را توسل به ولایت ایشان و اتکا به آن حضرت پنداشته است:

به مزد بندگی درگهش خدا بنهاد      به فرق کیهان رخشنده تاج کیوان را  
حدیث سلسله بر خوان که تا چو من دانی      ولای و مهرش فرض است هر مسلمان را  
بنه به کشتی مهرش قدم و گرنه مجوی      ره رهایی این بحر پر ز طوفان را  
الا ای ولیّ خدا، ای وصیّ ختم رسل      یکی ز لطف نگر خوشدل سخندان را

(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۵۵۷)

به عبارتی، تعبیر شاعر از کشتی مهر در ابیات فوق و ابیات پس از آن را می‌توان یادآور حدیث مبارک سفینه با این مضمون دانست. تعبیر شاعر از اهل بیت (علیهم السلام) به کشتی نجات بشریت را می‌توان اقتباس معنایی از حدیث مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله) دانست که می‌فرماید: «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ دَخَلَهَا نَجَى، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» (مثل اهل بیت من در میان شما مانند کشتی حضرت نوح است؛ هر کس به این کشتی داخل شود نجات می‌یابد، و هر کس سوار نشود و از آن دوری و تخلف ورزد غرق و نابود می‌گردد) (دیلمی، ۱۴۱۲ق: ج ۲: ۳۰۶):

الامحِبُّ رَضَا، دَرِ وِلَايِ اَوْ مِي كُوش      كِه هَر چِه فَيضِ وَ سَعَادَتِ اَز اَيْنِ وَ لَا خِيَزِد  
بِيَا بِه كِشْتِي مِهْرِ رَضَا وَ خُوشْدَلِ بَاش      دَر اَيْنِ مَحِيْطِ كَز اَن مَحْنَتِ وَ بَلَا خِيَزِد

(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۶۱۵)

وی در بیتی دیگر محبت و ولای ایشان را واسطه فیوضات الهی و نیز بخشش گناهان در روز محشر برشمرده است:

هر که ولایت او حرز بازوی جان کرد  
روز جزا بیمی از گناه ندارد

(همان: ۶۰۳)

### ۳-۳ وجه تسمیه امام به لقب رضا علیه السلام

در وجه نام گذاری حضرت به «رضا» احادیثی وارد شده است، از جمله: «احمدبن ابی نصر بزنتی به امام جواد علیه السلام عرض کرد: گروهی از مخالفان شما گمان می کنند که مأمون پدر بزرگوار شما را «رضا» لقب داده، آن هم بدین جهت که امام علیه السلام را برای پذیرش ولایتعهدی راضی کرده است. امام جواد علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند! اینان دروغ می گویند، بلکه خدا پدرم را «رضا» نامیده، چون که پسندیده خدا در آسمان بود و رسول خدا و ائمه هدی در زمین از او خوشنود بودند.» بزنتی به امام گفت: آیا همه پدران گذشته تو پسندیده خدا و رسول و ائمه نبودند؟ فرمود: چرا. بزنتی پرسید: پس چرا تنها آن حضرت «رضا» نامیده شد؟ فرمود: «زیرا همان گونه که دوستان و موافقان وی از حضرت راضی بودند، دشمنان و مخالفان نیز از او راضی بودند.» چنین ویژگی برای هیچ کدام از پدران حضرت وجود نداشت، و بدین سبب است که میان آنان، حضرت «رضا» نامیده شده است.» (ابن بابویه، بی تا، ج ۱: ۲۷۷).

غروری اصفهانی، در ابیات زیر ضمن اشاره به لقب «رضا» برای امام هشتم علیه السلام، بیان می دارد که ایشان به قضای الهی و بر اثر علو درجه ای که داشته اند به مرحله ای رسیده اند که مورد رضای خداوند قرار گرفته اند؛ از این رو بدین نام ملقب گشته اند:

لَقَدْ تَقَانَى فِي الرِّضَاءِ بِالْقَضَا  
حَتَّى تَسَامَى وَتُسَمَّى بِالرِّضَا  
بَلْ فِي رِضَا الْبَارِي رِضَاءٌ فَإِنْ  
بَلْ ذَاتُهُ بِذَلِكَ الْعُنْوَانِ

(الغروری الاصفهانی، ۱۴۲۷ق: ۷۰)

(ترجمه: ۱. در رضا به قضای الهی نهایت سعی خویش را نمود تا آنجا که سرآمد همه گشت و رضا نامیده شد. ۲. بلکه رضایت او در رضای خداوند باری تعالی فانی است بلکه ذات او در این عنوان است).

خوشدل نیز در ابیات زیر ضمن اشاره به چندین لقب دیگر «صابر، فاضل، وفی» از امام علیه السلام به لقب رضا یاد می‌کند:

وصف القاب او بشنو از من جلی      (صابر) از صابری (فاضل) از فاضلی  
چون (رضی) و (وفی) زورضا منجلی      آنکه بر دست او نه فلک داده بوس  
داند این نکته را عارف با وقوف      هست مخصوص او یا امام الرئوف

(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۶۲۹)

وی در بیته دیگری دلیل مسمی شدن امام به این لقب را رضایت به قضای حتمی خداوند می‌داند:

شه ملک رضا کوشد رضا زان را و لقب وی را      که می‌بودی رضا خود بر قضای حتم یزدانش

(همان: ۶۵۷)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### ۳-۴ کرامت بارگاه مطهر امام رضا علیه السلام

از دیگر مسائلی که در مدحیات دو شاعر به آن پرداخته شده، موضوع زیارت حرم مطهر آن بزرگوار است. «اگر حتی یک روایت در فضیلت زیارت معصومان علیهم السلام صادر نشده بود، ادب در برابر آنان، مؤمنان را و می‌داشت تا به زیارت حرم‌های مطهرشان مشرف شوند و افزون بر عرض ارادت و شیفتگی خود، از دریای معنویت بی‌بديل و ناپیدا کرانه آنها، جرعه‌ها نوشند و روح خود را با نزدیک ساختن به آن ارواح بلند و بی‌ظنیر شاداب سازند.» (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۰). از خود حضرت رضا علیه السلام نقل است که فرموده‌اند: «هر که مرا در غربتم و



دوری مزارم زیارت کند، روز قیامت در سه جا به فریادش می‌رسم تا از هول و وحشت آن مکان‌ها نجاتش دهم: هنگامی که نامه‌ها به چپ و راست تقسیم می‌شود، هنگام صراط، و هنگام سنجش اعمال.» (ابن قولویه، ۱۳۷۷، ج ۴: ۳۰۴). در غالب مدایح دو شاعر، کرامت و عظمت بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام به چشم می‌خورد که با بیانی مخلصانه و گاه با لحنی افتخارآمیز همراه است. ابیات زیر از غروی اصفهانی، به خوبی نشان می‌دهد که شاعر تا چه اندازه برای امام و حرم مطهرشان احترام قایل بوده و چگونه با افتخار از اینکه همه اقوام به گرد این حرم می‌گردند، صحبت می‌کند:

تَرَى الْمُلُوكَ سُجَّدًا بِيَابِهِ      فَالْعَزُّ كُلُّ الْعَزِّ فِي أَعْتَابِهِ  
تَطُوفُ حَوْلَ قَبْرِهِ الْأَمْلَاقُ      كَأَنَّهُ الْمِحْوَرُ وَالْأَفْلاكُ

(الغروی الاصفهانی، ۱۴۲۷ق: ۷۰)

(ترجمه: ۱. پادشاهان را سجده‌کنان درگاه او می‌بینی و تمام عزت در آستان اوست. ۲. فرشتگان و آسمان‌ها به گرد قبر او می‌گردند گویی که محور کائنات است).

شاعر در این ابیات تمام عزت و فخر را منحصر در بارگاهی می‌کند که گویی محور عالم است و افلاک و ستارگان به گرد آن می‌چرخند. افزون بر این، خوشدل نیز در ابیاتی مشابه بر فضل و برتری حرم و دستگاه زیارتی ایشان تأکید ورزیده و آن را مایه فخر ایران زمین توصیف کرده است:

هر که به کوی رضا پناه ندارد      در دو جهان آبرو و جاه ندارد  
جلوه دربار و آستان رضا را      تا به ابد هیچ پادشاه ندارد  
ای شه شاهان و شهریار خراسان      هیچ شهی چون تو دستگاه ندارد  
پرچم سبز تو هست بر سر ایران      کشور ما به از این پناه ندارد

(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۶۰۳)

### ۵-۳ خیانت و پیمان شکنی مأمون

در کنار مدیحه‌های دو شاعر، در مرثیه‌های آنان به بسیاری از موضوعات زندگی امام (علیه السلام) پرداخته شده است. از جمله این موارد، حادثه خیانت مأمون به امام رضا (علیه السلام) است که بخش قابل توجهی را در مرثیه‌های غروی به خود اختصاص داده است. وی در ابیاتی ضمن بیزاری از عمل مأمون، از وی به عنوان خیانتکاری یاد می‌کند که سنت پیامبر را زیر پا گذاشته و خیانتی بزرگ را مرتکب شده است که جز نتایجی شوم نداشت:

وَيْلٌ لِّذَاكَ الْغَادِرِ الْخَوْنُ	وَيْلٌ لِّبِلِّ الْوَيْلَاتِ لِلْمَأْمُونِ
وَتَاهَ فِي الْغَيِّ وَفِي سَبِيلِهِ	لَمْ يَحْفَظِ النَّبِيُّ فِي سَبِيلِهِ
فَهَلْ تَرَى أَعْظَمَ مِنْ خِيَانَتِهِ	خَانَ أَمِينَ اللَّهِ فِي أَمَانَتِهِ

(الغروی الاصفهانی، ۱۴۲۷ق: ۷۰)

(ترجمه: ۱. وای بر مأمون! وای بر آن فریبکار خائن! ۲. راه پیامبر را حفظ نکرد و در گمراهی و راه آن فرورفت. ۳. امین خداوند را در امانتش خیانت کرد. آیا از خیانت او بزرگ‌تر می‌بینی؟)

خوشدل، شهادت امام پس از خیانت مأمون را با حالتی اندوهگین به تصویر کشیده است:

دریغ و درد از آن دم که ز امر مأمون برد به‌سوی خوشه‌انگور زهردار انگشت

ز تاب زهر عقیق لبش زبرد شد<sup>۱</sup> کسی که داشت در این زمردین حصار انگشت<sup>۲</sup>

(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۵۸۷)

۱. زبرد سبز رنگ است. اشاره به اینکه از اثر زهر لبانش سبز شد.  
۲. به معنی آسمان زنگاری است که زمردوار رنگش سبز است.

#### ۴. مضامین رضوی غیرمشترک در شعر «محمدحسین غروی اصفهانی» و «خوشدل تهرانی»

افزون بر مضامین مشترک رضوی در شعر این دو شاعر، مضامینی غیرمشترک چون «اشاره به برخی حوادث تاریخی زندگی امام (علیه السلام)، نماز باران، و حدیث سلسله الذهب، ضامن آهو، شوق زیارت، شفاعت، غربت امام و حزن و اندوه شاعر» جلوه‌ای متفاوت به شعر این دو شاعر بخشیده است که به ذکر آنها پرداخته می‌شود:

##### ۱-۴ ولادت امام (علیه السلام)

در کنار مضامین خالصانه‌ای که در غالب مدایح این دو شاعر به چشم می‌خورد، مولودیه‌ها یا به عبارتی اشعاری که پیرامون تولد امام (علیه السلام) سروده شده، بخش قابل توجهی را به خود اختصاص داده است. خوشدل در ابیاتی با همین مضمون، ضمن اشاره به تاریخ ولادت آن حضرت، با بیانی مسرورانه از این رخداد تاریخی مبارک یاد کرده است:

به صبح یازدهم ماه ذی‌قعدة ز نجمه زاد و برآورد سوی یار انگشت

ز نجمه گشت در این مه مهی عیان که ز شوق سپهر کرد ز رنگ و شفق نگار انگشت

(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۵۸۸)

##### ۲-۴ اشاره به برخی حوادث تاریخی زندگانی امام (علیه السلام)

##### ۱-۲-۴ جان بخشیدن به شیر

در «عیون اخبارالرضا» آمده است: «حاجب مأمون که مأمور بود در مجلس امام رضا (علیه السلام) را تحقیر کند، به آن حضرت گفت: مردم برای تو معجزاتی اثبات می‌کنند که برای احدی از مردم غیر از تو اثبات نکرده‌اند؛ گویی معجزه‌ای مانند معجزه حضرت ابراهیم

که مرغان کشته شده را زنده کرد، آورده‌ای! اگر راست می‌گویی، پس امر کن به این دو شیر و آنها را زنده کن و بر من مسلط گردان! و مقصود حاجب دو صورت شیری بود که روبه‌روی هم، بر مسند مأمون نقش کرده بودند. حضرت به غضب درآمده و به آن دو صورت صدا زدند: بگیریید این فاجر را! و این مرد فاجر را طعمه خود قرار دهید و از او عین و اثری باقی نگذارید! آن دو شیر برجستند و آن مرد را پاره کردند و طعمه خود قرار دادند و استخوان‌های او را خرد کردند و جویدند و او را خوردند و خون او را لیسیدند. و مردم تماشا می‌کردند و همه در تحیر و حیرت فرو رفته بودند و پس از آن، خدمت حضرت ایستادند و عرض کردند: ای ولیّ خدا در روی زمین! آیا امر می‌کنی که با مأمون نیز این عمل را انجام دهیم؟ مأمون از استماع این سخن غش کرد و حضرت فرمودند: بایستید! و آنها به حال خود برگشتند.» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۸۳). این موضوع با تعبیرهایی متفاوت، به دفعات در شعر خوشدل به کار گرفته شده و شاعر به بیانات گوناگون، این واقعه را به تصویر کشیده است:

شیر پرده کند خصم او را ادب      پادشاه عجم شهریار عرب

(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۶۲۹)

به شیر پرده اگر جان دهد عجب نبود      به دفع آن که به ضدّ امام ما خیزد  
بلی که زاده شیر خدا به صورت شیر      بداد جان که پی قتل آن دغا خیزد

(همان: ۶۱۴)

#### ۲-۲-۴ حدیث مبارک سلسله الذهب

«حدیث مشهور سلسله الذهب است که امام (علیه السلام) شرط قبولی توحید را اعتقاد به امامتش دانستند: "قال الله كلمة لا إله إلا الله حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ عَذَابِي - بعد از فاصله زمانی کوتاه - فرمودند: بِشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا" (خداوند فرمود: عبارت «هیچ معبودی جز الله نیست» دژ استوار من است. هر کس درون آن گردد، از کیفرم

در امان خواهد بود. امام در ادامه فرمود: به شرایطش که من یکی از شرایط هستم). (قمی، ۱۳۷۱: ۳۴۷؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۲۹۹-۲۹۶). در بیت زیر اشاره شاعر به به عبارت «أنا من شروطها» تداعیگر این حادثه مبارک است:

حدیث سلسله برخوان و اندر آن بنگر      چه نکته‌ها ز «أنا من شروطها» خیزد

(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۶۱۵)

#### ۳-۲-۴ نماز باران

نقل است که وقتی مأمون امام رضا (علیه السلام) را ولیعهد خود قرار داد، تا مدتی از بارش باران خبری نبود. به دنبال این موضوع، عده‌ای از نزدیکان مأمون، امام (علیه السلام) را سبب بخیل شدن آسمان و عدم بارش باران می دانستند. بنابراین، مأمون از امام درخواست می کند که برای بارش باران دست به دعا شود. با دعای امام باران شدید شروع به باریدن می کند و مردم برای تشکر، گرد امام جمع می شوند (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۱۶۷-۱۷۲). خوشدل در بیت زیر با تعبیری شاعرانه و با حسن تعلیلی بسیار زیبا، دلیل جان بخشیدن به شوره‌زار بی جان را نگاه لطف آمیز ایشان به مردم می داند و در ضمن این امر اشاره‌ای تلمیحی به حادثه باریدن باران و زنده شدن زمین مرده در زمان امام هشتم (علیه السلام) داشته است:

آن کو به شوره‌زار گر از لطف بنگرد      ریحان و لاله گردد در شوره‌زار سبز

(همان: ۶۴۹)

#### ۴-۲-۴ ضامن آهو بودن

داستان ضامن آهو بودن امام رضا (علیه السلام) در اشعار شاعران ایرانی جلوه خاصی پیدا کرده است. «داستانی که در جغرافیای خطسیر هجرت امام رضا (علیه السلام) از مدینه به مرو اتفاق افتاده و در افواه مردم است. وقتی آن حضرت به دشت پهناور سمنان می رسد، آهویی اسیر در بند صیاد می بیند. آهو از امام رضا (علیه السلام) می خواهد که نزد صیاد ضامن شود تا

به لانه و اقامتگاه خود برود و بچه خود را شیر دهد. امام ضمانت می کند و آهو می رود و پس از ساعتی برمی گردد. صیاد با دیدن ماجرا، آهو را آزاد می کند.» (میرآقایی، ۱۳۹۱: ۱۱).

خطاب امام علیه السلام به لقب ضامن آهو در بسیاری از مدحیات خوشدل، به همین واقعه اشاره دارد:

به ظل ضامن آهو برم پناه و چه غم      زند به شیر اگر خصم نابه کار انگشت  
امام ثامن ضامن علی بن موسی      کزوست در همه آفاق آشکار

(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۵۸۸)

#### ۳-۴ شوق زیارت

امام رضا علیه السلام از بزرگترین مؤمنان، صالحان، صدیقان و یکی از معصومان علیهم السلام است. ادب در برابر این امام بزرگوار، مؤمنان را وامی داشت به زیارت حرم مطهرشان مشرف شوند و افزون بر عرض ارادت و شیفستگی خود، از دریای معنویت بی بدیل ایشان استفاده کنند. زیارت عملی عبادی است که از دیرباز نزد شیعیان اهمیت بسیاری داشته است و مؤمنان به وسیله این عمل، ارادت خود را به محضر این بزرگواران که به اعتقاد آنان جانشینان بر حق پیامبر صلی الله علیه و آله هستند، نشان می دهند. حضور مبارک امام هشتم علیه السلام در سرزمین ایران این پیوند عاطفی را مستحکم تر کرده است به طوری که شاعران بسیاری دست به سرودن مدایح و مرثیه‌هایی درباره آن بزرگوار زده‌اند. «مؤمنان همواره از ژرفای جان به اهل بیت علیهم السلام عشق می‌ورزند و در پی دستیابی به درک محضر آنان هستند. طبیعی است که محبت به آنان جلوه‌ها و آثار گوناگونی در زندگی دارد و زیارت مرقد‌های پاک و نورانی‌شان، در زمره مهم‌ترین آن جلوه‌هاست. از دیرباز زیارت امام رضا علیه السلام نزد مردم ایران و شیفتگان آن حضرت اهمیت زیادی داشته است زیرا او را جانشین خداوند و فرزندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌دانند.» (محمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۱).

خوشدل با بیان خویش، خداوند را به حق صاحب مهربانی سوگند می‌دهد که وصال و شوق زیارت امام رضا (علیه السلام) را نصیبش کند تا بدین وسیله هم و غم از زندگی وی رخت بر بندد:

بارالها تورا حق آن ذوالعطوف      آن شه بی زوال آن مه بی خسوف  
با وصالش ببر از دل ما لهوف      چون به محشر کند نزد جدش جلوس

(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۳۰)

شاعر با استفاده از اسلوب منادا در بیت نخست و بیان خطاب‌ی، خود را در محضر خداوند دانسته و او را در دل و جان نزدیک خود متصور شده است. از این رو، استعمال این اسلوب توسط وی و نیز تعبیر از امام (علیه السلام) ذوالعطوف یعنی کسی که صاحب کرامت و مهربانی است و نیز استعاره از ایشان به ماهی که هرگز ناپدید نمی‌شود، فضایی عاطفی به شعر خود بخشیده است.

#### ۵-۴ غربت امام رضا (علیه السلام)

بنا به روایاتی، امام جعفر صادق (علیه السلام) در روایتی لفظ «غریب» را برای امام به کار برده است. در «عیون اخبار» از حسین بن زید مروی نقل شده است که گفت: از امام جعفر صادق (علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: مردی از اولاد فرزندان موسی (علیه السلام) بیرون آید که اسم او اسم امیر المؤمنین (علیه السلام) است و به زمین طوس می‌رسد و با زهر کشته شود و در آنجا غریب دفن شود.» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۵۰۸). غروی نیز با تکیه بر این موضوع، در ابیاتی از مرثیه خود، ضمن اشاره به شهادت امام (علیه السلام)، غربت ایشان را با بیانی اندوهگینانه به تصویر کشیده است:

قَضَى شَهِيداً صَابِراً مُحْتَسِباً      وَهُوَ غَرِيبٌ بَلْ غَرِيبٌ الْغُرْبَا  
تَقَطَّعَتْ اَمْعَاءُ بِالسَّمِّ      فَدَاهِ نَفْسِي وَ اَبِي وَ اُمِّي

(الغروی الاصفهانی، ۱۴۲۷ق: ۷۱)

(ترجمه: ۱. روزگار را با شهادت و صبورانه و زندانی گذراند. او غریب بلکه غریب‌ترین غریبان است. ۲. سم درون شکم ایشان را تکه تکه کرد. من و پدر و مادرم فدای او شویم.)

### ۶۴ حزن و اندوه شاعر

حزن و اندوه ناشی از شهادت مظلومانه امام هشتم (علیه السلام) رنگ غالب همه مرثیه‌های رضوی غروی را تشکیل می‌دهد. شاعر انتخاب واژگان و تعبیرهایی را که شاعر برگزیده است، به خوبی وی را در خلق فضای اندوه در این مرثی یاری کرده است؛ اندوهی که نه تنها شاعر، بلکه تمامی هستی از جمله فرشتگان و پیامبران را نیز شامل می‌شود:

نَاحَ الْأَمِينُ وَهُوَ ذُو شُجُونِ	مِمَّا جَنَّتْ بِهِ يَدُ الْمَأْمُونِ
نَاحَتْ عَلَيْهِ الْهُورُ فِي الْجِنَانِ	تَأْسِيًا بِخَيْرَةِ النَّسْوَانِ
عَلَيْهِ سَيِّدُ الْوَرَى يُنُوحُ	حُزْنَا فَكَيْفَ لَا يُنُوحُ الرُّوحُ
نَاحَتْ عَلَيْهِ الْأَنْبِيَاءُ وَالرُّسُلُ	بَلِ الْعُقُولُ وَالنُّفُوسُ وَالْمَثَلُ

(همان)

ترجمه: ۱. پیامبر امین در حالی که غمگین است، به سبب آنچه به دست مأمون رخ داد، نوحه سر داد. ۲. حوریان در بهشت برای تسلی برترین بانوان (حضرت زهرا (علیه السلام)) بر او نوحه سر دادند. ۳. برترین آدمیان بر او نوحه سر می‌دهد چگونه روح نوحه سرایی نکند؟ ۴. پیامبران و فرستادگان عقل‌ها و جان‌ها و پیکرها بر او ناله سر دادند.



## پی‌نوشت‌ها

## ۱. محمدحسین غروی اصفهانی

(۱۲۹۶-۱۳۶۱ ق) معروف به کمپانی، از عرفا و علمای شیعه دوران معاصر است. وی در دوم محرم سال ۱۲۹۶ در خانواده‌ای شریف، محترم، دانش‌دوست و پاکدامن در کاظمین دیده به جهان گشود و نزد آنان پرورش یافت. پدرش محمدحسن از تجار ثروتمند و معروف کاظمین، مردی پرهیزگار و متدی و با اینکه بازرگان بود، علم و عالمان را دوست داشت. وی اصالتاً نخبوانی بود و پس از امضای قرارداد ترکمانچای، نخست به تبریز و بعد به اصفهان مهاجرت کرد و سپس به کاظمین رفت. محمدحسین در دهه دوم زندگی به حوزه نجف رفت و مشغول تعلیم نزد استادان حوزه آن روز شد. تحصیلات مقدماتی را در محضر شیخ محمدحسن تویسرکانی شروع و تا بیست‌سالگی آن را کامل کرد (مطلبی، ۱۳۷۰: ۳۹؛ خیابانی تبریزی، ۱۳۶۶: ۱۹۰). آیت‌الله غروی علاوه بر تربیت شاگردان ممتاز، آثار مهمی در زمینه فقه، اصول، کلام و تفسیر به جامعه اسلامی عرضه کرد. این آثار از ذوق و استعداد خدادادی و سرشار این عالم بزرگ حکایت می‌کنند. مهم‌ترین امتیازی که در آثار او وجود دارد، استدلال و ابتکاری است که از ژرف‌نگری و دقت نظر او ناشی می‌شود. محمدحسین غروی اصفهانی در پنجم ذیحجه سال ۱۳۶۱ ه. ق (۲۳ آذر ۱۳۲۱) در نجف درگذشت و در حرم امیرالمؤمنین در اتاقی که جنب گلدسته قرار دارد، به خاک سپرده شد. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۵۶۱).

## ۲. خوشدل تهرانی

علی اکبر صلح‌خواه در نهم تیر سال ۱۲۹۳ در تهران دیده به جهان گشود. وی فرزند حاج رحیم صلح‌خواه بود و از همان اوان جوانی طبع و ذوقی لطیف داشت. علی اکبر تحصیلات متوسطه خود را در مدرسه ثروت به پایان برد و علوم قدیمه از صرف و نحو، فقه و اصول و معانی بیان و بدیع را در مدرسه مروی به انجام رساند. آنگاه یک دوره کتاب «مطول»

تفتازانی و «مغنی» ابن هشام را در محضر آقا شیخ علی رشتی به انجام آورد و روزگاری را در اصفهان و شیراز به تحصیل حکمت و منطق پرداخت. خوشدل سپس به سیر و سیاحت روی آورد و به مدت سی سال، ایران، عراق، مصر، ترکیه، حجاز، افغانستان، پاکستان و هندوستان را به پای شوق طی نمود و چهار بار به زیارت خانه خدا رفت. وی از آن پس در تهران ماندگار شد و به شعر و شاعری پرداخت. وی پس از عمری مجاهدت ادبی و هنری در دوم مهر ۱۳۶۵ در ۷۲ سالگی درگذشت و در آستانه شیخ صدوق در شهر ری به خاک سپرده شد. علی اکبر صلح خواه که خوشدل تخلص می کرد، در قالب غزل، قصیده، قطعه و مثنوی شعر می سرود و در غزل به شیوه طائب معتقد بود. آثار اوست: دیوان خوشدل، دیوان غزلیات، دیوان منتخبات، عمده الاسرار، و گلشن خوشدل (آصفی، ۱۳۹۷).

### نتیجه

سیمای تابناک امام رضا (علیه السلام) در سروده های مذهبی شاعران شیعه جلوه ای بارز داشته است. کمتر شاعر متعهدی را در ادبیات فارسی و عربی می توان یافت که به ستایش اهل بیت (علیهم السلام) نپرداخته و سخنی از این بزرگوار به میان نیاورده باشد. خوشدل تهرانی و محمدحسین غروی اصفهانی نمونه ای از شاعرانی هستند که بیشتر همّت خود را در خدمت شعر دینی قرار داده و مدایح و مرثیه های فراوانی را سروده اند که اشعار رضوی بخش قابل توجهی را در دیوان دو شاعر به خود اختصاص داده است. با جستجوی دقیق در این سروده های مذهبی دریافتیم که:

خوشدل با احتساب تمام مدایح و مرثیه ها و قصیده هایی که در منقبت امام (علیه السلام) آورده است، در مجموع در دوازده قصیده به این مهم پرداخته است؛ حال آنکه غروی اصفهانی در یازده قصیده به مضامینی چون مدح و منقبت و مرثیه به بیان فضایل و مکارم ثامن الائمه توجه داشته است. می توان گفت دستاوردی که هر پژوهش تطبیقی با خود به ارمغان می آورد این است که طرفین مورد بررسی، بعضاً اندیشه های یکسانی دارند. به عبارتی، دغدغه های ذهنی هر مولّد ادبی در موضوعی خاص تقریباً مشابه هم است چنان که در

این مختصر مشاهده شد. خوشدل تهرانی و غروی در مباحثی چون بیان فضایل اخلاقی امام (علیه السلام) (کرامات بیانی و کلامی، حکمت و علم امام (علیه السلام)، منزلت و فضیلت‌های امام (علیه السلام)، ولایت، وجه تسمیه امام به لقب رضا (علیه السلام)، کرامت بارگاه مطهر امام، خیانت و پیمان شکنی مأمون و... دارای اشتراکاتی نزدیک بوده‌اند.

با تمام این شباهت‌ها، تفاوت‌هایی نیز با هم دارند و آن اینکه خوشدل به برخی حوادث تاریخی زندگی امام (علیه السلام)، نماز باران و حدیث سلسله‌الذهب، لقب ضامن‌آهو، اشاره کرده و در این میان از شوق زیارت سخن به میان آورده است. غربت امام و حزن و اندوه شاعر، جلوه‌ای متفاوت از شعر غروی است که نمود بارزتری در شعرو وی دارد. خوشدل تهرانی با توجه به کثرت مداخل و مراثی و نیز پرداختن به مضامین بدیعی رضوی متنوع، در ابراز عواطف و احساسات خود موفق‌تر بوده است. به‌طور کلی، پرداختن به موضوعاتی از این دست نه تنها گامی در جهت غنای ادبیات دینی شمرده می‌شود، بلکه زمینه‌ای برای معرفی شاعران متعهد و پژوهش پیرامون آثار آنان را به وجود می‌آورد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محمدی، مجید و همکاران. (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی سیمای امام رضا علیه السلام در شعر دعبل خزاعی و سید حمید رضا برقی». *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی-فارسی)*. سال پنجم. ش ۲۰. صص: ۵۹-۸۲.
- مطلبی، سیدابوالحسن. (۱۳۷۰). «آیت الله العظمی شیخ محمد حسین غروی اصفهانی». *مجله نورعلم*. ش ۴۰. صص: ۳۸-۵۸.
- میرآقایی، سیدهادی. (۱۳۹۱). «ضامن آهو و تجلی آن در شعر فارسی». *فرهنگ مردم*. ش ۴۳ و ۴۴. صص: ۱۱-۲۲.